

## بحران جانشینی عرفات

چکیده مقاله:

مسئله جانشینی عرفات، از جمله مهمترین نقاط ضعفی است که حکومت خودگردان با آن مواجه است. افشای این موضوع که عرفات به بیماری پارکینسون مبتلا شده و ممکن است نتواند در رأس قدرت باقی بماند، در کنار عدم شکل‌گیری باثبات و قانونی فرایند انتقال قدرت در تشکیلات خودگردان، بسیاری از اشخاص و گروهها را بر آن داشته تا برای به دست‌گیری قدرت تلاش کنند. خلاء ناشی از فقدان عرفات، ممکن است روند سازش را متوقف و جامعه فلسطینی را با گسترش موج اختلافات داخلی مواجه کند. گذشته از آن که این مسأله، ذهن بسیاری از فلسطینیان داخل و خارج مناطق اشغالی را به خود مشغول داشته، در صحنه بین‌المللی نیز بازتابی گسترده را نشان می‌دهد. بسیاری از کارشناسان امور فلسطین، بحران احتمالی ناشی از فقدان عرفات را امری جدی تلقی کرده و از این رو به گمانه‌زنی در مورد این قضیه و ارزیابی جوانب مختلف آن پرداخته‌اند. نوشتار حاضر نیز دقیقاً در همین رابطه تنظیم شده است. در این مقاله، نخست جایگاه و عملکرد عرفات در تشکیلات خودگردان فلسطین تبیین شده و سپس پیامدهای فقدان وی بر اوضاع داخلی، روند صلح، نقش عوامل خارجی در تعیین جانشین یا تشدید و تخفیف بحران جانشینی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از آن، راهبردهای مختلف خروج از بحران احتمالی بر شمرده شده و جوانب مختلف آنها تجزیه و تحلیل خواهد شد. تعیین جانشین توسط شخص عرفات، رویکرد روشهای دموکراتیک، کودتا، حاکمیت گروههای اسلامی و ادغام در حاکمیت اردن از جمله این راهبردها می‌باشند. در پایان نیز بحث کوتاهی در مورد جانشینان احتمالی عرفات از لحاظ پایگاه، سابق، دیدگاهها و میزان احتمالی موفقیت آنها آورده شده است.

### جایگاه و عملکرد عرفات در تشکیلات فلسطینی

عرفات رئیس دولت خودگردان، همزمان ریاست «ساف» و «فتح» را نیز عهده‌دار است. او در صحنه بین‌المللی، به عنوان یک شخصیت سیاسی معتدل و میانه‌رو شناخته شده که

پیوسته شاخهٔ زیتون در دست، از حل و فصل دیپلماتیک اختلافات حمایت می‌کند. مهارت‌های دیپلماتیک وی بی‌شک تأثیری غیر قابل انکار بر جلب حمایت‌های بین‌المللی برای ساف و تشکیلات خودگردان داشته است. (۱)

وضعیت و جایگاه عرفات در تشکیلات خودگردان با وضعیت و جایگاه وی در ساف، طی دهه‌های گذشته کاملاً متفاوت است. قبل از تشکیل دولت خودگردان، عرفات هر چند یکه‌تاز عرصهٔ رهبری ساف بود، اما به دلیل پراکندگی گروه‌های تشکیل دهندهٔ ساف، عدم تمرکز شدید و مداخلهٔ کشورهای عربی، قادر نبود قدرت و کنترل نسبی خود را در ساف و حتی در فتح اعمال کند. در چنین شرایطی عرفات مجبور بود خود را با شرایط موجود وفق دهد. از این رو پیوسته مردد و فاقد تصمیم مشخص و مواضع شفاف بود و از تحمیل قدرت خویش بر روی بسیاری از دسته‌جات و گروه‌های فلسطینی اجتناب می‌کرد و به شدت از دیکتاتوری و صدور دستورات مبتنی بر مشیت آهنین دوری می‌جست. جالب آن که این شیوهٔ رهبری به وی کمک کرد تا مشروعیت و محبوبیت خود را در میان مردم و اکثر گروه‌های فلسطینی حفظ کند و به تنها سمبل پذیرفته شدهٔ جهانی ملت و جنبش فلسطین تبدیل شود. (۲)

به رغم برگزاری انتخابات ژانویهٔ ۱۹۹۶، که به ایجاد یک تشکیلات فلسطینی و خلق ساختارهای حکومتی شبیه به یک کشور منجر شد، سرنوشت فلسطینی‌ها حتی بیشتر از گذشته به خصوصیات و تصمیمات عرفات بستگی پیدا کرده است. او اکنون برای جبران عقدهٔ سال‌های ریاست نسبی بر ساف، آشفته و آناش‌شیست، هر تصمیمی را کنترل می‌کند و

۱- دانشجویان پیرو خط امام، فلسطین ۲، مجموعهٔ اسناد لانهٔ جاسوسی، جلد ۴۳. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴. ص ۶

2- Barry Rubin. After Arafat: Sucsstion and Stability in Palestinan Politic, [http:// www.Rubin.html](http://www.Rubin.html).

هر نامزدی برای مشاغل و کارهای تشکیلات خودگردان، در هر درجه‌ای از اهمیت راه، خودش انتخاب می‌کند. قدرت یافتن یکی از مقامات تشکیلات خودگردان، چنانچه با احتمال در خطر افتادن موقعیت منحصر به فرد وی همراه باشد، به حذف آن مقام، منجر می‌شود. عرفات تنها شخصیت منحصر به فردی است که در تشکیلات خودگردان، از انتقاد مصون است. علیرغم آنکه یک پارلمان چند حزبی و سیستم انتخابات در تشکیلات خودگردان وجود دارد، هرگز به اپوزیسیون اجازه نمی‌دهد که در قدرت حکومتی سهمی داشته باشد. قلمرو کوچک و جمعیت اندک تحت تابعیت دولت خودگردان، به عرفات اجازه می‌دهد که راحت‌تر از سایر رهبران خاورمیانه، انحصار تصمیم‌گیری را در اختیار گیرد. (۱)

در یک نگرش دقیق، سیستم تشکیلات خودگردان را می‌توان دیکتاتوری پدرسالارانه \*، عوام‌گرا \*\*، و کثرت‌گرا \*\*\*، توصیف کرد. عرفات در این سیستم با تکیه بر ۳ ستون اصلی، ضمن حفظ قدرت خویش، بین نیروهای مختلف موازنه برقرار می‌کند. این سه ستون عبارتند از:

۱- مشروعیت: عرفات به مدت سه دهه رهبری بخش عظیمی از نیروهای جنبش فلسطین را عهده‌دار بوده و در رأس هرم سیاسی آن قرار دارد. بنابراین گذشته از آن که در محافل بین‌المللی به عنوان تنها نماینده رسمی فلسطینیان از او نام برده می‌شود، در صحنه

۱- این در حالی است که با عقب نشینی اسرائیل از برخی مناطق کرانه باختری و تشکیل دولت فلسطین در دو منطقه جغرافیایی جداگانه، یعنی غزه و کرانه باختری، در آینده کنترل آن به علت عدم یکپارچگی جغرافیایی و جمعیتی، برای دولت مرکزی آسان نخواهد بود. در حال حاضر ۶۰ درصد نوار غزه و تنها ۷ درصد کرانه باختری تخلیه شده و بدین صورت مقر اصلی حکومت در غزه است.

\* Patrimonialist Dictatorship

\*\* Populist

\*\*\* Pluralist

داخلی نیز گروه‌های مخالف او را تحمل می‌کنند. بدین طریق از گسترش موج اختلافات داخلی جلوگیری می‌شود.

۲- بذل و بخشش: کنترل مستقیم بر بیت‌المال و اخذ کمکه‌های بلاعوض بین‌المللی توسط عرفات او را قادر می‌کند که همانند دولت‌های رانتی و تحصیلدار، دستش برای بذل و بخشش‌های فراوان، در راستای حفظ قدرت و به حداقل رساندن انتقادات، باز باشد. اطرافیان عرفات می‌دانند که تنها از طریق حمایت از وی، می‌توانند امتیازی بگیرند و مال و مقامی به دست آورند.

۳- سرکوب: محکمترین ستون حاکمیت عرفات سرکوب است. او دهها هزار نیروی امنیتی تحت اختیار خود دارد که در صورت لزوم، برای حفظ موقعیت خویش از آنها استفاده می‌کند. نمونه کاربرد این ابزار را در دستگیری اعضای حماس و محدود نمودن فعالیت‌های این جنبش می‌توان مشاهده کرد.

در ادامه تبیین نقش و جایگاه عرفات در تشکیلات فلسطینی باید گفت که این تشکیلات در شرایط کنونی برای دوام و ثبات و پیشبرد برنامه‌های خود سخت محتاج وجود عرفات است. نقل قول‌هایی دال بر این امر وجود دارد که وقتی عرفات به مسافرت‌های خارجی می‌رود یا حتی هنگامی که در خارج از دفتر کارش به سر می‌برد، تمامی فعالیت‌های تشکیلات خودگردان متوقف می‌شود. وی تمامی اهرم‌های قدرت را در دست دارد و حتی کوچکترین تصمیمات را نیز خودش اتخاذ می‌کند. عرفات در میان زیردستان، وفاداری را بر کفایت و لیاقت مقدم می‌دارد و مانند شخصیت «جولیوس سزار»<sup>\*</sup> در داستانهای شکسپیر، افراد چاق، مرفه، تن‌پرور و

\* Julius Caesar

مقام طلبان را ترجیح می دهد و تهدید آنها را کمتر از مردان پرانرژی با نگاههای تشنه و مشتاق می داند. (۱)

در یک جمع بندی کلی باید گفت، فلسطینیها دریافته اند که در افتادن و ستیز با عرفات به نفعشان نخواهد بود. زیرا مخالفت با عرفات و تلاش برای براندازی وی موجب تفرقه شده و جنگ فلسطینی علیه فلسطینی را تشدید می نماید و همین مسأله، موضع وی در چانه زنی با اسرائیل را تضعیف می کند و بهانه لازم را به اسرائیل می دهد تا کل فرایند صلح را متوقف کند و ضمن فراغت از فشارهای بین المللی، توسعه طلبی خود را ادامه دهد. اما مسأله اصلی اینجاست که وضعیت بعد از مرگ عرفات چگونه خواهد شد؟ فرایند انتقال قدرت به جانشین عرفات چگونه صورت خواهد گرفت؟ آیا به صورت مسالمت آمیز و دموکراتیک خواهد بود یا به صورت خشونت آمیز و با توسل به زور؟ آیا اساساً شخص یا گروهی خواهد توانست در صحنه فلسطین ضمن سیطره بر گروههای مختلف و به تمکین واداشتن آنها از بروز جو آشوب و درگیریهای داخلی جلوگیری کند؟ پرداختن به این پرسشها مسأله بحران جانشینی در صحنه داخلی فلسطین را به طور جدی نمایان می کند. زیرا به رغم وجود ساختارهای قانونگذاری، هنوز رویه ای ثابت و قانونی برای انتقال قدرت ایجاد نشده و در صورت شکل گیری چنین رویه ای، کارایی آن نیز برای حل و فصل مسالمت آمیز مسأله جانشینی، با در نظر گرفتن اختلافات و شکافهای موجود میان گروههای مختلف فلسطینی، مطمئن به نظر نمی رسد. این در حالی است که وضعیت جسمی عرفات نیز برای ادامه فعالیت مبهم است. او اکنون بیش از هفتاد سال از عمر خود را سپری کرده و دچار ناراحتی عصبی و خستگی مفرط و اضافه وزن مزمن است. برخی منابع آگاه مدعیند که علائم اولیه بیماری پارکینسون در وی مشهود است. (۲) اما عرفات و

1-Barry Rubin, *op.cit.* p.5

2-Ha'aretz, December 10, 1998.

پزشکان معالج وی، وجود علائم این بیماری را انکار می کنند.

عرفات مصمم است تا شاهد شکل گیری دولت مستقل فلسطین به دست خود باشد و این موفقیت را به نام خود در تاریخ فلسطین به ثبت برساند و از همین رو شایعات مربوط به عدم توانایی های جسمی و احتمال کناره گیری اش از قدرت را شدیداً تکذیب می کند. او طی مصاحبه ای با خبرنگار روزنامه «جروزالیم پست» ضمن انکار شایعات مربوط به بیماری اش گفت:

«من هنوز برای کناره گیری آمادگی ندارم. تنها یک راه وجود دارد، ادامه دادن یا مردن و انتخاب سومی وجود ندارد. من حداقل روزی ۱۶ ساعت کار می کنم و بی شک آنقدر زنده خواهم ماند تا شاهد شکل گیری دولت مستقل فلسطین باشم.» (۱)

با این همه مسأله ناتوانی های جسمی عرفات را، با توجه به کهولت سن وی، نمی توان نادیده گرفت. و بلکه برعکس باید آن را جدی تلقی کرد. زیرا نادیده گرفتن این مسأله و احتمال فقدان قریب الوقوع وی، می تواند بسیاری از معادلات پیش بینی شده در مورد چشم انداز حل و فصل گفت و گوهای خاورمیانه و آینده دولت خودگردان فلسطین را در هم بریزد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## پیامدهای فقدان عرفات

بنا بر برخی اظهارنظرها، عرفات شخصیت کم نظیر و منحصر به فردی است که اکثر گروه های مختلف فلسطینی، حتی جناح اپوزیسیون، او را تحمل می کنند و چندان مایل به کناره گیری یا مرگ وی در آینده نزدیک نیستند. به علاوه او در صحنه بین المللی نیز به

عنوان نمایندهٔ مردم فلسطین پذیرفته شده و تقریباً همهٔ کشورها نسبت به وی اتفاق نظر دارند. (۱)

فقدان عرفات از صحنهٔ سیاسی فلسطین، بی‌شک تشکیلات نوپای دولت خودگردان را با یک چالش بزرگ مواجه خواهد کرد. که از جملهٔ آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- درگیریهای خشونت‌بار بین گروههای مختلف فلسطینی: عدم شکل‌گیری رویهٔ ثابت قانونی برای انتقال قدرت در دولت خودگردان و همچنین فقدان شخصیت پذیرفته شده‌ای هم سطح با عرفات، در صحنهٔ بین‌المللی و در میان گروههای مختلف فلسطینی، وضعیتی شبیه جنگ داخلی به وجود خواهد آورد. در این وضعیت، بی‌ثباتی و درگیری بین گروههای مختلف فلسطینی بر سر جانشینی و تعیین خط‌مشی‌های سیاسی، اوج خواهد گرفت. رهبران هر یک از گروهها خود را بیشتر از دیگری شایستهٔ رهبری می‌دانند و خط‌مشی‌های سیاسی متفاوتی را نیز در خصوص چشم‌انداز دولت فلسطین در پیش خواهند گرفت. وضعیت بحرانی پس از عرفات، ممکن است بهانه‌ای برای اسراییل بشود تا برای تأمین امنیت، فارغ از فشارهای بین‌المللی، مجدداً سرزمینهای خودمختار فلسطین را اشغال کند. (۲)

خانم سهی، همسر عرفات، از جملهٔ کسانی است که بروز جنگ داخلی پس از مرگ عرفات را گوشزد کرده است. جنگی که از نظر او، اسراییل نیز برای دامن زدن به آن تلاش خواهد کرد. (۳)

باری روبین، کارشناس و محقق ارشد مسایل خاورمیانه مرکز مطالعات استراتژیک (BESA)، نیز معترف است که درگیریهای خشونت‌بار داخلی و گسترش دامنهٔ شکاف و

۱- الوطن العربی، «ماذا يحدث اذ غاب؟» شماره ۱۰۷۴، ۱۳ اکتبر ۱۹۹۷.

۲- همان.

۳- به نقل از نشریهٔ المجله، ۱۶ نوامبر ۱۹۹۷.

اختلافات بین فلسطینیان ساکن در مناطق خودگردان و سایر کشورهای منطقه، پس از مرگ عرفات دور از انتظار نیست. اما با این حال او احتمال حل و فصل آرام و مسالمت‌آمیز مسأله انتقال قدرت به جانشین عرفات را بیشتر می‌داند. (۱)

۲- توقف روند کنونی مذاکرات: گذار به دوره پس از عرفات، حتی به صورت آرام و مسالمت‌آمیز نیز، لطمه و خسارات بالقوه و بالفعل قابل ملاحظه‌ای را بر روند سازش و سیاستهای منطقه‌ای وارد خواهد آورد. نیاز به یک رهبر و هیأت حاکمه جدید برای استقرار و تثبیت خویش، پیشرفت در گفت و گوهای کند فعلی را، برای ماهها و حتی سالها به تأخیر خواهد انداخت. اگر جانشین عرفات مقبولیتی همچون خود او نداشته باشد و نتواند امنیت و ثبات را تأمین کند، گروههای مخالف روند سازش هم در داخل اسرائیل و هم در جامعه فلسطینی، از فرصت استفاده کرده و فعال خواهند شد.

در جامعه اسرائیلی احزاب و گروههای ارتدوکس افراطی نظیر تکوما\*، مولیدت\*\*، هیروت\*\*\*، و مفدال\*\*\*\*، وجود دارند که به دنبال تحقق ایده اسرائیل بزرگ‌اند و با روندی که ممکن است به تشکیل دولت مستقل فلسطین، در همسایگی اسرائیل منجر شود به شدت مخالفت می‌کنند. در حال حاضر پابندی عرفات به سازش و توانایی او در به حرکت درآوردن جامعه داخلی فلسطین، به صورتی نسبتاً منسجم همراه با حمایت‌های بین‌المللی، فرصت از بین بردن عملیات سازش را به اینگونه

1 - Barry Rubin, op. cit., p. 6

\*Tekuma

\*\* H. Moledet

\*\*\* Herut

\*\*\*\* Mefdal (N.R.P)



گروههای اسرائیلی نداده است. حال اگر عرفات نباشد و متعاقباً جانشینی که بتواند همانند وی، ضمن سیطره بر گروههای مختلف رقیب فلسطینی، ندای سازش را سر دهد و وجود نداشته باشد، گروههای مخالف روند صلح در اسرائیل به راحتی و فارغ از فشارهای بین‌المللی، توافقات را نقض خواهند کرد، چرا که ادعای کنند طرف مقابل خواهان صلح نیست.

از سوی دیگر گروههایی در جامعه فلسطینی نیز وجود دارند که با روند کنونی سازش مخالفند. از جمله این گروهها می‌توان به دو جنبش اسلام‌گرای «حماس» و «جهاد اسلامی» و برخی گروههای مستقر در کشورهای عربی نظیر «جبهه خلق برای آزادی فلسطین»، «جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین» و... اشاره کرد.

در حال حاضر این گروهها، به خاطر مصالح ملی فلسطین و مشروعیت نسبی عرفات در جامعه داخلی فلسطین و در صحنه بین‌المللی، نمی‌خواهند به طور حاد رو در روی عرفات قرار بگیرند و فقط به انتقاد از او اکتفا می‌کنند. اما در صورت فقدان عرفات و اختلاف بر سر جانشینی وی این گروهها نیز، فعالیت‌های مسلحانه خود را، به منظور به دست‌گیری رهبری حکومت خودگردان و ضربه زدن به اسرائیل، شدت بخشیده و بدین صورت روند کنونی سازش را عملاً متوقف می‌نمایند. (۱)

## عوامل خارجی و مسأله جانشینی عرفات

با توجه به آن که هنوز دولت مستقل و قانونی فلسطین تشکیل نشده و برای به رسمیت شناخته شدن آن در صحنه بین‌المللی، به عنوان یک کشور مستقل، راه دراز و پرفراز و نشیبی در پیش است و همچنین از آنجا که هنوز رویه ثابت قانونی نیز در خصوص انتقال قدرت در دولت خودگردان شکل نگرفته، عوامل خارجی می‌تواند نقش بسزایی در مورد

مسألهٔ جانشینی عرفات ایفا کند.

در یک دید کلی، می‌توان گفت که اکثر کشورهای خارجی از جمله اسرائیل، آمریکا و کشورهای عربی منطقه در خصوص تداوم حاکمیت عرفات اتفاق نظر دارند. چرا که او توانسته است با استفاده از کیش شخصیت خویش، از نظر داخلی به گونه‌ای منسجم، در راستای سازش گام بردارد و بدین صورت بحران خاورمیانه را تا حدی محدود کند. همین محدودیت بحران به نظر نمی‌رسد از لحاظ خارجی مخالفی داشته باشد. اسرائیل و آمریکا و کشورهای عربی خواهان محدودیت بحران هستند، اگر چه اهداف آنها در این زمینه متفاوت است. اما نکته شایان توجه آن که این اتفاق نظر خارجی در مورد عرفات نمی‌تواند در مورد جانشین وی نیز موضوعیت داشته باشد. زیرا آنها در مورد توانایی‌های جانشینان احتمالی، در پیشبرد روند سازش و سیطره بر گروه‌های مختلف فلسطینی اتفاق نظر ندارند. لذا هر کدام از آنها از رهبریت گروه و اندیشهٔ خاصی برای رسیدن به قدرت حمایت می‌کنند و همین موضوع می‌تواند یکی از عوامل اوج‌گیری بحران، پس از عرفات باشد.

پیوندهای جغرافیایی، جمعیتی و اقتصادی تشکیلات فلسطین با اسرائیل و حمایت مالی و دیپلماتیک کشورهای خارجی، خصوصاً کشورهای عربی برای توانمند نمودن تشکیلات خودگردان و بهبود وضعیت بیش از دو میلیون فلسطینی ساکن کرانه باختری، دخالت و تأثیر عوامل خارجی در وضعیت پس از عرفات در فلسطین را قطعی جلوه می‌کند. از مدتها پیش شایعات زیادی در محافل بین‌المللی دربارهٔ اعمال نفوذهای خارجی در قبال جنگ جانشینی به راه افتاده است. شایعات جنجال برانگیزی نظیر اینکه آمریکا و اسرائیل در حال دستکاری، سبک و سنگین کردن مهره‌های محتمل برای جانشینی و پیش‌بینی وضعیت پس از عرفات هستند. نامزدهای احتمالی جانشینی می‌بایست به ایالات متحده و اسرائیل اطمینان خاطر دهند که به تعهدات تشکیلات خودگردان، حداقل همانطور که عرفات پایبند بود، وفادار خواهند ماند.

در بارهٔ مواضع اسرائیل در مورد عرفات و جانشینان وی باید کمی با احتیاط سخن گفت. همانطور که قبلاً گفته شد، اسرائیل به دلیل این که عرفات توانسته است عملیات مسلحانهٔ گروه‌های جهادی فلسطین را محدود کرده و تا حدودی امنیت اسرائیل را تأمین کند، موافق ادامهٔ حکومت عرفات است. اما استراتژی اصلی این رژیم آن است که از هر طریق ممکن به تضعیف حکومت خودگردان و شخص عرفات بپردازد. یکی از تاکتیک‌های اسرائیل در این زمینه، افشای خبر بیماری عرفات و پشتیبانی از چندین نامزد است. از این راه در سطحی محدود گروه‌های مختلف فلسطینی را با هم درگیر کرده و حکومت خودگردان را ضعیف نگه داشته است. زیرا به هیچ وجه به نفع اسرائیل نیست که در همسایگی خود شاهد پاگرفتن قدرتی باشد که ممکن است روزی تهدیدی برای منافعش به شمار آید. در همین راستا، نهایتاً اسرائیل از جانشینی حمایت خواهد کرد که، ضمن سیطرهٔ نسبی بر گروه‌های جهادی فلسطین، نتواند حکومت مقتدری به وجود آورد که احتمالاً تهدیدات امنیتی از جانب آن متوجه اسرائیل شود.

با این همه، چیزی که احتمالاً نقش و نفوذ قدرتهای خارجی را در خصوص تعیین جانشین عرفات، محدود می‌کند این نکته است که، حمایت آشکار خارجی از نامزدهای جانشینی ممکن است ضریب موفقیت او را پایین بیاورد. (۱) برای مثال افشای این موضوع که، چه کسی نامزد مورد نظر اسرائیل و آمریکا است، کفایت می‌کند تا حمایت مردمی از وی کاهش یابد و شانس موفقیت او از بین برود.

---

1- Barry Rubin, op. cit.

## استراتژیهای بدیل جانشینی

### ۱- تعیین جانشین توسط شخص عرفات

عرف رایج در کشورهای عربی، خصوصاً کشورهای منطقه، آن است که پادشاهان و رهبران آن کشورها، فرزندان خود را سالها قبل از مرگشان به عنوان جانشین خویش معرفی می‌کنند. اما این فرایند در مورد جانشینی عرفات قطعاً تکرار نخواهد شد. عرفات تا سال ۱۹۹۱ از دواج نکرده بود و فرزندی نداشت، به همین دلیل به نظر نمی‌رسد با توجه به بیماری و کهولت سن وی، فرزندش در هنگام مرگ پدر، از لحاظ سنی قادر باشد قدرت را در دست گیرد. بنابراین چنانچه عرفات قبل از مرگ خویش جانشینی برای خود تعیین کند، برخلاف سایر کشورهای عربی، از فرزندانش نخواهد بود.

این مسأله که چرا تاکنون عرفات برای خود جانشینی تعیین نکرده و آیا در آینده برای خود جانشینی تعیین خواهد کرد یا نه نکته‌ای قابل بحث و بررسی است. در پاسخ به این سؤال فرضیات زیر قابل طرح است:

الف: شاید عرفات تاکنون کسی را نیافته که دارای خصوصیات شخصی و فهره مند، همانند خودش باشد. یعنی هم از سوی مردم و گروههای مختلف فلسطینی مورد پذیرش بوده و هم توانایی پیشبرد روند سازش و حل و فصل دیپلماتیک اختلافات را داشته باشد و از سوی اسرائیل، آمریکا و کشورهای عربی نیز مورد تأیید باشد.

ب: احتمال دارد ویژگیهای شخصیتی عرفات به شرحی که گذشت، در معرفی نکردن جانشین و بلا تکلیف گذاشتن این مهم نقشی مؤثر را ایفا کند. در این حال، از یک سو این فرض مطرح است که عرفات به دلیل داشتن روحیه انحصارگرایی، دوست ندارد در زمان حیات خود، با تعیین جانشین و ارتقاء مقام او، کسی را همسطح با مقام و مرتبه خود مشاهده کند. از سوی دیگر این فرض نیز قابل طرح است که عرفات می‌خواهد با عدم

تعیین جانشین و واگذار کردن انتخاب آن به ملت و شورای قانونگذاری فلسطین، دست به بازی دموکراتیک بزند تا از این رهگذر بر مقام و منزلت خویش، در جامعه فلسطین و صحنه بین‌المللی بیفزاید.

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت حتی اگر عرفات به طور رسمی و مشخص جانشین خود را تعیین نکند، در هر صورت در انتخاب او و حل و فصل مسأله جانشینی، از طریق ارتقاء مقام، درجه، و ارائه موقعیت‌های جدید و اشاره تلویحی به صلاحیت جانشین مورد نظرش، دخیل خواهد بود.

## ۲- رویکرد روشهای دموکراتیک

مهمترین عامل تقویتی برای عملی شدن استراتژی رویکرد به سوی روشهای دموکراتیک برای انتقال قدرت و گذار به دوران پس از عرفات، وجود دشمن مشترک برای گروه‌های مختلف فلسطینی و اتفاق نظر آنها بر روی برخی اصول و مصالح ملی فلسطین است. عامل تقویتی دیگر، رجوع به آرای عمومی برای تعیین اولین رییس دولت خودگردان در ژانویه ۱۹۹۶ می‌باشد. (۱) که می‌تواند زمینه‌ای برای نهادینه شدن در تشکیلات خودگردان شود، هر چند که این شیوه هنوز بصورت روبه‌ثابت قانونی در نیامده است.

رویکرد به سوی روشهای دموکراتیک در تشکیلات خودگردان برای تعیین جانشین عرفات به سه شیوه تعیین جانشینی توسط شورای قانونگذاری فلسطین (۲)

---

۱- در انتخابات مذکور عرفات با اختلاف زیادی بر تنها رقیب خود، رقیب وی، سمیها خلیل Smiha Khalil پیروز گردید. این در حالی بود که برخی از گروه‌های اپوزیسیون انتخابات را تحریم کرده بودند و انتخابات نیز زیر نظر مجامع بین‌المللی صورت می‌گرفت.

«شورای ملی فلسطین» (۱) یا مراجعه به آرای عموم قابل تحقق است.

نمایندگان شورای قانونگذاری فلسطین در سال ۱۹۹۶ از سوی مردم انتخاب شده و اکثر گروههای فلسطینی، به غیر از گروههایی چون جنبش اسلامی جهاد و حماس، در آن نماینده دارند. این شورا می تواند، همانند نظامهای پارلمانی، یک نفر را از درون خود انتخاب کند. دکتر نصیر آروری، استاد علوم سیاسی دانشگاه ماساچوست، طی مصاحبه ای احتمال عملی شدن این شیوه را بعید ندانسته و آنرا فرایند خوبی برای انتقال قدرت و گذار به دوره پس از عرفات تلقی کرده است. (۲)

با این همه ملاحظاتی وجود دارد که مانع از ارائه چشم انداز روشنی از عملی شدن این شیوه می شود. از جمله این ملاحظات این که گروههایی مانند حماس، جهاد و برخی گروههای مستقر در خارج از فلسطین، در شورای قانونگذاری عضویت ندارند و همین مسأله به نوبه خود پذیرش تصمیمات این شورا از سوی آنها را با مشکل مواجه خواهد کرد. این در حالی است که قدرت روز افزون این گروهها، خصوصاً جنبش مقاومت اسلامی (حماس) را نمی توان نادیده گرفت. عامل دیگری که ممکن است سد راه اتخاذ چنین شیوه ای برای تعیین جانشین شود، احتمال عدم پذیرش تصمیمات شورای قانونگذاری، توسط دستگاههای امنیتی دولت خودگردان، در خصوص تعیین جانشین میباشد. زیرا برخی از فرماندهان دستگاههای امنیتی خود داعیه جانشینی و رهبری تشکیلات خودگردان را دارند و با توجه به این که آنها در شورای قانونگذاری عضویت ندارند، در صورت اتخاذ این شیوه، قطعاً بیرون از دایره انتخاب قرار خواهند گرفت.

یکی دیگر از احتمالات موجود در خصوص شیوه تعیین جانشین، مراجعه به «شورای ملی فلسطین» است. این شورا با شرکت نمایندگان تعداد مشخصی از گروههای مختلف

فلسطینی موجودیت می‌یابد. همان ملاحظاتی که درباره انتخاب جانشین، توسط شورای قانونگذاری فلسطین ذکر شد، درباره شورای ملی فلسطین نیز موضوعیت دارد. افزون بر آن نمایندگان این شورا به طور دموکراتیک از جانب مردم انتخاب نشده‌اند و این مسأله به نوبه خود می‌تواند مراجعه به این شورا برای تعیین جانشین را، با مشکل مواجه کند.

با این وجود برای اتخاذ روشهای دموکراتیک انتقال قدرت، مراجعه به آرای عمومی بهترین روش ممکن است. این در صورتی است که آشوب و بی‌ثباتی بعد از مرگ عرفات، در حد وسیعی شایع نشود و رویه ثابت قانونی برای انتقال قدرت و شیوه اداره امور در قالب یک قانون اساسی یا قوانین پایه، با در نظر گرفتن اصول دموکراتیک، شکل گرفته باشد. برخی اخبار و گزارشها حاکی از آن است که تمایل اصلی عرفات برای انتقال قدرت و تعیین جانشین، رویکرد به روشهای دموکراتیک است. برای مثال او طی مصاحبه‌ای با یکی از روزنامه‌های اسرائیلی، ضمن تأکید بر عزم خویش برای ادامه کار و عدم کناره‌گیری، اذعان کرد که جانشینش به صورت دموکراتیک، توسط شورا یا ملت فلسطین انتخاب خواهد شد. (۱)

### ۳- کودتا

فرماندهان دستگاههای امنیتی - اطلاعاتی تشکیلات خودگردان از جمله مدعیان جانشینی عرفات و به دست‌گیری رهبری این تشکیلات به شمار می‌روند. فرضیه‌ای از سوی برخی از تحلیل‌گران سیاسی مطرح شده است که، نظامیان ممکن است برای به دست گرفتن قدرت و غالب آمدن بر جو بی‌ثباتی و عدم امنیت احتمالی قبل یا پس از مرگ عرفات، دست به کودتا بزنند. با نگاهی کوتاه به ترکیب سازمانی و رهبری نیروهای امنیتی - اطلاعاتی دولت خودگردان در می‌یابیم که احتمال عملی شدن چنین فرایندی

بسیار ضعیف و دور از انتظار است.

میان فرماندهان سازمانهای امنیتی و اطلاعاتی دولت خودگردان، اختلاف و چنددستگی زیادی وجود دارد. دستگاه امنیتی اطلاعاتی فلسطین به سازمانهای جزء تقسیم شده و در رأس آنها نیز فرماندهانی قرار گرفته‌اند که شدیداً رقیب یکدیگرند و با هم سرسازگاری ندارند و اکثر آنها نیز برای رسیدن به قدرت و به دست‌گیری رهبری و تشکیلات خودگردان تلاش می‌کنند، اما چون توازن قدرت بین آنها حاکم است هیچ یک قادر نیستند بر دیگران غالب شوند و سلطه نسبی خود را بر رهبری نیروهای امنیتی و اطلاعاتی تثبیت کنند. این در حالی است که تحقق کودتا بدون وجود تشکیلات منسجم نظامی و رهبری واحد تقریباً غیرممکن است. به نظر می‌رسد عرفات با درپیش گرفتن سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» توانسته است تداوم حاکمیت خود را تضمین و احتمال وقوع کودتا، قبل و پس از مرگ خود را تقلیل دهد.

#### ۴- حاکمیت گروههای اسلامی

جنبش مقاومت اسلامی حماس به رهبری شیخ احمد یاسین و جنبش جهاد اسلامی به رهبری دکتر رمضان عبدالله، دو جنبش اسلامگرای مستقر در داخل مناطق اشغالی می‌باشند و از این لحاظ نسبت به سایر گروههای اپوزیسیون مخالف ابتکار صلح اسلو، که در خارج از مناطق اشغالی مستقر هستند، از موقعیت ویژه‌ای برخوردارند. دو جنبش اسلامگرای فوق‌الذکر را می‌توان قدرتمندترین گروههای اپوزیسیون دانست که در کرانه باختری و غزه نفوذ قابل ملاحظه‌ای دارند.

جنبش‌های حماس و جهاد به لحاظ ایدئولوژیکی مبانی مشترکی دارند و دیدگاههای آنها نیز نسبت به آینده فلسطین بسیار به هم نزدیک است، به این دلیل هیچ بعید نیست این مسأله به ائتلاف یا ادغام آنها منجر شود. البته در این فرایند، ابتکار عمل از آن جنبش



حماس خواهد بود. زیرا در حالی که جنبش جهاد از درون جنبش فتح بیرون آمده و فاقد سابقه دیرین تاریخی است، جنبش حماس از اخلاف جنبش اخوان المسلمین مصر بوده و از لحاظ تاریخی قدیمی تر است. (۱) به علاوه رهبر حماس، شیخ احمد یاسین، نیز مشخصاً از احترام و حرمت خاصی، در میان مردم فلسطین و رهبران گروههای مختلف فلسطینی برخوردار است. به دنبال توقف و کندی فرایند مذاکرات سازش، به طور قابل ملاحظه‌ای محبوبیت این جنبش افزایش یافته است. روزنامه کانادایی لودو وار در همین رابطه می‌نویسد:

«محبوبیت حکومت خودگردان در میان مردم فلسطین در حال کاهش است و در مقابل محبوبیت حماس، به عنوان مدافع واقعی حقوق مردم فلسطین، افزایش یافته است، به خصوص آن که سازمان حماس گفت و گوهای اسلو را ناقض حقوق ملت فلسطین می‌داند.» (۲)

نظرسنجی‌ها نشانگر آن است که در بین سالهای ۹۷-۱۹۹۳ به طور متوسط حدود ۴۰ درصد مردم فلسطین از حماس حمایت می‌کرده‌اند. (۳)

در درون حماس دو رویکرد در قبال حل مسأله فلسطین وجود دارد. یکی استراتژی مبارزه مسلحانه و تلاش برای نابودی اسرائیل و دیگری استراتژی اپوزیسیون وفادار به تشکیلات خودگردان. طرفداران استراتژی اخیر، ضمن مخالفت با فرایند سازش آغاز شده از اسلو، معتقدند برای ایجاد یک کشور فلسطینی باید عرفات را دورادور همراهی نمود و

۱- نداء القدس، آذر ۱۳۷۶، ص ۵.

۲- تلکس واحد مرکزی خبر ۲۷/۲/۳

3- Khalil Shikaki, "Palestinian Public Opinion: The Peace Process and Political Violence", MERIA Journal, vol.2. no. 10, March, 1998.

پس از کسب موفقیت در این زمینه، از آن به عنوان پایگاهی برای ایجاد یک کشور اسلامی و از سرگیری مبارزه علیه اسرائیل استفاده نمود. (۱) شیخ یاسین، رهبر حماس، خود از طرفداران اتخاذ این استراتژی است. او بلافاصله پس از آزادی از زندان اسرائیل در ماه اکتبر ۱۹۹۷ گفت: برای پی‌ریزی مبانی وحدت ملی فلسطین با تشکیلات خودگردان فلسطینی همکاری خواهد کرد. (۲)

نمونهٔ چنین همکاری‌هایی را می‌توان در مقاطع مختلف زمانی مشاهده کرد. به عنوان مثال به هنگام بن‌بست گفت و گوهای صلح در سال ۱۹۹۵، این جنبش حملات مسلحانهٔ خود را شدت بخشید. این اقدامات بی‌تردید در تحت فشار قرار گرفتن اسرائیل برای به تحرک درآوردن روند صلح و پناه بردن این کشور به دامن عرفات بی‌تأثیر نبود. در سال ۱۹۹۷ نیز با پیدایش روزه‌هایی برای خروج روند صلح از بن‌بست، این جنبش از شدت عملیات‌های شهادت طلبانهٔ خود کاست و در مقابل محدودیت‌های اعمال شده از جانب عرفات برای فعالیت‌هایش، تقریباً سکوت کرد. اکنون یکی از دیدگاه‌های موجود در جنبش حماس آن است که مقابله و ستیز جدی با حاکمیت عرفات، به هیچ‌وجه به نفع مصالح ملی فلسطین نخواهد بود. چنین اقدامی فلسطینیان را، در موضع ضعیف‌تری در مقابل اسرائیل قرار می‌دهد فرصت را برای سوء استفاده‌های این کشور آماده می‌کند تا کلیه تعهدات خود را زیر پا نهد. (۳)

در چنین شرایطی این انتظار وجود دارد که پس از عرفات و آغاز باتکلیفی در مورد جانشینی وی و بروز درگیری‌های داخلی، حماس به عنوان یک جانشین ظاهر گردد. این در

1- Barry Rubin, *op. cit.*, P.9.

2- "Middle East Mirror" October 10, 1997

۳- رجوع شود به: «ماذا يحدث اذ غاب»، الوطن العربي.

حالی است که حماس و جهاد به عضویت ساف در نیامده و در تشکیلات خودگردان سهمی از قدرت ندارند. اگر این گروه‌ها مایل به همکاری در درون ساف و تشکیلات خودگردان شوند، می‌توانند در آینده در قدرت حکومت سهمی داشته باشند اگر با اقبال روبرو شوند، شیخ احمد یاسین جانشین عرفات شود. آنچه که مسلم است، عوامل خارجی خصوصاً اسرائیل و آمریکا در راه تحقق این فرایند ممانعت ایجاد می‌کنند و امکان عملی شدن آن را تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهند.

## ۵- ادغام در حاکمیت اردن

کشور اردن با فلسطین پیوندهای جغرافیایی، جمعیتی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ویژه‌ای دارد. در هم تنیده شدن این پیوندها باعث به وجود آمدن این فرضیه شده است که، سرانجام فلسطینیان با اردن حاکمیت مشترکی را تشکیل خواهند داد. برخی طرفداران این فرضیه معتقدند، خلاء قدرت احتمالی ناشی از فقدان عرفات، زمینه را برای تحقق این امر مهیا خواهد نمود.

به لحاظ تئوریک تشکیل یک کشور اردنی - فلسطینی به دو صورت زیر میسر می‌شود:

۱- تشکیل یک کشور واحد و یکپارچه بازعامت دولت اردن

۲- تشکیل کنفدراسیون اردنی - فلسطینی

طرح تشکیل یک کشور واحد و یکپارچه، مرکب از اردن و فلسطینیان، یکی از استراتژیهای بلند مدت اسرائیل بوده و ایگال آلون\*، وزیر خارجهٔ رابین یکی از طراحان اصلی آن به شمار می‌رود. بر طبق این استراتژی، پیش‌بینی می‌شود اردن متولی فلسطینیان شود و فی‌الواقع آنها را در درون حاکمیت خود بپذیرد. احتمال عملی شدن این

استراتژی به دلایل زیر بسیار اندک است:

۱- نفوذ اردن در مناطق فلسطینی، خصوصاً پس از مرگ شاه حسین، کاهش یافته است.

۲- تحقق چنین فرایندی، حاکمیت سیاسی اردن را از درون به مخاطره خواهد انداخت و این چیزی است که دولت اردن به شدت از آن در هراس است. در صورتی که میلیونها تن از پناهندگان فلسطینی بتوانند تابعیت اردنی را اخذ کنند، بتدریج، همراه با گسترش روند دموکراسی در اردن، حاکمیت متجانس و منسجم خاندان هاشمی اردن را استحاله و آن را تبدیل به حاکمیت فلسطینی خواهند نمود. اما در باره ایده تشکیل کنفدراسیون اردنی - فلسطینی باید گفت، از آنجایی که تحقق چنین امری از رهگذر همگرایی دولتهای مستقل حاصل شده و دولتهای عضو، تشکیلات مستقل خود را همچنان حفظ می کنند، لذا این مسئله خارج از چارچوب این بخش، که بررسی چگونگی انتقال قدرت در فلسطین است، قرار می گیرد. زیرا در صورت تشکیل کنفدراسیون، مسأله جانشینی عرفات، به عنوان رییس یک حاکمیت مستقل، همچنان موضوعیت خود را حفظ خواهد نمود.

## جانشینان احتمالی عرفات

اینک پس از بررسی راهبردهای بدیل جانشینی عرفات، مناسب است تا از عناصری که احتمال جانشینی آنها وجود دارد ذکر می به میان آورده شود.

### ۱- شاخه سیاسی

ابومازن (محمود عباس)، مرد شماره ۲ تشکیلات خودگردان، فیصل الحسینی، وزیر امور بیت المقدس و صائب عریقات، وزیر حکومتهای محلی و رییس هیأت مذاکره کننده تشکیلات خودگردان، از جمله شخصیت‌های محتمل برای جانشینی عرفات در شاخه

سیاسی می‌باشند. اگر گفت و گوهای صلح با اسرائیل به نتایج مثبتی برسد و دولت خودگردان بتواند به امتیازات قابل ملاحظه‌ای نظیر استقلال دست یابد- که این امر بسیار بعید است- و امکان انتقال مسالمت‌آمیز قدرت میسر باشد، به احتمال زیاد، جانشین عرفات از این شاخه خواهد بود.

مجموع اخبار و گزارشها حاکی از آن است که شانس ابومازن برای جانشینی بیشتر از دیگران است. برای مثال چندی پیش روزنامه‌المجداردن نوشت که عرفات، محمود عباس (ابومازن) را به عنوان نایب رئیس حکومت تعیین کرده است. این ارتقاء مقام می‌تواند گام بزرگی در راه نزدیکی وی به اریکه قدرت باشد. چنین گزینشی می‌تواند به این صورت تفسیر شود که عرفات، نظر مثبتی نسبت به جانشینی وی دارد و به همین دلیل، مسئولیت‌های تازه و مهمی بر عهده وی می‌گذارد.

همچنین نشریه فارین ریپورت نوشته بود که عرفات مسأله جانشینی خود را با کلینتون در میان گذاشته و ابومازن را به عنوان جانشین خود معرفی کرده است، اما دولت خودگردان این مطلب را تکذیب کرد. (۱) روزنامه‌ها آرتص این احتمال را که عرفات ابومازن را به عنوان جانشین خود تعیین کرده، رد می‌کند و می‌نویسد:

«عملاً سلطه عرفات بدین گونه است که نزدیکان خود را در مداری بیضی مانند در پیرامون خود می‌کشاند. به صورتی که یک روز به او نزدیک

می‌شوند و روز دیگر به شدت از وی دور می‌شوند.» (۲)

به طور کل ابومازن از شخصیت‌های مورد اعتماد عرفات و دولت خودگردان است، زیرا او اکنون مهمترین مسئولیت‌ها را در تشکیلات خودگردان پس از عرفات بر عهده دارد. او دبیر کل کمیته اجرایی ساف و از اعضای مهم کمیته مرکزی فتح است. همچنین از

۱- واحد مرکزی خبر، ۱۸ بهمن ۱۳۷۶.

۲- یهودا نورئیل، «و ماذا أن مات»، المجله تل ابیب، ۶ سپتامبر ۱۹۹۶.

طرفداران سازش با اسرائیل و از بنیانگذاران طرح صلح اسلو بوده و ریاست هیأت مذاکره کننده فلسطینیان در این مورد را نیز بر عهده داشته است. از این لحاظ او مورد اعتماد اسرائیل و یکی از نامزدهای مورد نظر این کشور برای جانشینی تلقی می شود. با این وجود ابومازن در میان مردم فلسطین جایگاه چندان مستحکمی ندارد و محبوبیت مردمی او قابل ملاحظه نیست.

ابومازن از زمان مطرح شدن احتمال جانشینی اش، راهپیمایی‌ها، میتینگ‌ها و سخنرانی‌های متعددی برپا کرده است تا محبوبیت مردمی خود را افزایش دهد. اگر او بتواند محبوبیت خود را افزایش دهد، تبدیل به شخصیتی خواهد شد که احتمال موفقیتش برای رسیدن به جانشینی، در هر یک از استراتژیهای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، بسیار زیاد است. زیرا در چنین وضعیتی دو عامل بسیار مهم تسهیل کننده فرایند نیل به قدرت، یعنی محبوبیت مردمی و مقبولیت از جانب حکومت خودگردان و آمریکا و اسرائیل را توأمان دارا است.

## ۲- شاخه فن سالاران

ابوعلاء (احمد قریع)، رئیس شورای قانونگذاری فلسطین، معروف‌ترین نامزد این شاخه برای جانشینی عرفات است. او شخصی میانه‌رو، فاقد وابستگی به گروه خاص و دارای خصوصیت میان گروهی است و به دلیل اشراف زادگی و تجمل طلبی فاقد پایگاه مردمی می‌باشد. (۱) جهت گیرهای او در قبال توسعه اقتصادی، موجبات حمایت وی از سوی نخبگان تجاری کرانه باختری و غزه را فراهم می‌آورد. با این حال اگر چه ممکن است او از سوی مخالفان میانه‌رو، طبقه متوسط و قشر تحصیل کرده مورد حمایت قرار گیرد و به این لحاظ از نظر محافل مطبوعاتی غرب، شخصیتی جذاب و مطلوب باشد، اما چنین جذابیتی را نباید لزوماً دلیل محبوبیت و جذابیت وی در میان توده‌های مردم

فلسطین تلقی کرد.

شانس پیروزی ابوعلاء در انتخابات عمومی ضعیف است، زیرا او در عین حال که فاقد دستگاه و تشکیلات وابسته به خود می باشد از محبوبیت مردمی پائینی نیز برخوردار است. با این حال امکان این که وی از سوی شورای قانونگذاری به عنوان جانشین انتخاب شود دور از انتظار نیست. در صورتی که عرفات بخواهد برای خود جانشینی انتخاب کند، بنا به دلایل متعددی نظیر اشرافی بودن، حساسیت کم به مسائل سیاسی و فقدان پایگاه مردمی، بعید است که او را به عنوان جانشین خود تعیین کند. در صورت بروز درگیریهایی داخلی نیز، او نمی تواند در احراز قدرت موفق شود. چون او فاقد قدرت نظامی و عضویت در یک گروه خاص است. با وجود تمامی آنچه گفته شد، در صورت بلا تکلیفی در مورد جانشینی، احمد قریع می تواند موقتاً ریاست دولت خودگردان را تا انتخاب رئیس جدید بر عهده بگیرد. (۲) قانون صراحت دارد که در صورت مرگ یا کناره گیری رئیس تشکیلات فلسطین، رئیس شورای قانونگذاری، ریاست دولت انتقالی را حداکثر تا ۶۰ روز به عهده می گیرد تا در این مدت رئیس جدید انتخاب گردد. (۳)

### ۳- شاخه نظامیان

هر چند که شخصیت هایی چون ژنرال نصر یوسف، فرمانده کل نیروهای امنیتی و محمد دحلان، فرمانده سرویس امنیتی غزه، از مدعیان جانشینی در این شاخه به شمار می روند، اما جبریل الرجوب، فرمانده سرویس امنیتی کرانه باختری، از شانس بیشتری

۱- یهودا نورئیل، پیشین.

2- Barry Rubin, op. cit.

۳- نداء القدس، آذرماه ۱۳۷۶، ص ۲۳.

نسبت به آن دو برای رسیدن به مقام جانشینی عرفات بر خوردار است. برخی از اخبار و گزارشها حاکی از آن است که عرفات و اسراییل نسبت به جانشینی رجوب بی میل نیستند. به عنوان مثال نشریه‌ی الاسبوع العربی در یکی از شماره‌های ماه نوامبر خود در گزارشی تحت عنوان «رجوب در راه جانشینی حرکت می کند» می نویسد:

«عرفات سعی دارد با درخشان جلوه دادن چهره‌ی رجوب و دادن مسئولیت‌های بزرگتر به او و همچنین سکوت در برابر قدرت طلبی‌های وی، او را به عنوان جانشین خود معرفی نماید... اسراییل نیز در صدد برآمده است تا از رجوب حمایت کند و برای دوران پس از عرفات، قدرت را به او بسپارد. و این مسأله را از تلاش اسراییل در جهت ضرورت بخشیدن به این موضوع که جانشین عرفات باید با وجود تمامی تضادها و اختلافهای حاکم در مناطق فلسطینی، بر آن تسلط یابد، چنین بر می آید که اسراییل چنین شخصیتی را در رجوب یافته است.» (۱)

با این حال رجوب به خاطر داشتن رقبای زیاد و همچنین صراحت بیش از حد در ادعاهای خود برای رسیدن به رأس هرم سیاسی تشکیلات خودگردان، در ژانویه ۱۹۹۸ از عضویت در شورای مرکزی ساف به مدت شش ماه محروم شد.

چنانکه قبلاً بیان شد، احتمال کودتا در تشکیلات خودگردان بسیار ضعیف است و رجوب به عنوان یک شخصیت نظامی نمی تواند از این طریق به قدرت برسد. متعاقباً در درگیریهای داخلی نیز به دلیل وجود واحدهای رقیب، نمی تواند قدرت نهایی را اعمال کند. اما انتخاب شدن او از سوی عرفات، در صورت تمایل او برای انتخاب جانشین، دور از انتظار نیست. به علاوه در صورت بکارگیری روشهای دموکراتیک برای انتخاب جانشین نیز، رجوب می تواند بعنوان یک رقیب قدرتمند مطرح شود.

۱- «الرجوب الاوفر حظاً لخلافه عرفات»، الاسبوع العربی شماره ۱۹۸۹، ۲۴ نوامبر ۱۹۹۷.



#### ۴- شاخهٔ اپوزیسیون

در صورت توقف روند سازش، احتمال به قدرت رسیدن شخصیت‌های شاخهٔ اپوزیسیون افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی اگر امکان انتقال مسالمت‌آمیز قدرت وجود داشته باشد، احتمال موفقیت مخالفان میانه‌رو بیشتر از مخالفان افراطی است. در غیر این صورت، در پی بروز اختلافات و درگیری‌های داخلی و بلا تکلیفی مسأله جانشینی، مخالفان رادیکال می‌توانند به عنوان یکی از جایگزین‌های مدعی به دست‌گیری ریاست دولت فلسطین ظاهر شوند. از جمله نامزدهای مخالفان میانه‌رو می‌توان به فاروق قدومی و حنان عشاوی اشاره کرد.

فاروق قدومی رییس دفتر سیاسی ساف می‌باشد. او باروند کنونی عملیات سازش و همچنین ارتباط ساف با برخی از کشورهای عربی مخالف است. با آنکه طرف‌های زیادی به او احترام می‌گذارند و او را قبول دارند، اما مورد اعتماد تشکیلات خودگردان نیست و در حاشیهٔ آن قرار گرفته و در گفت‌وگوهای سازش به هیچ‌وجه شرکت داده نمی‌شود. (۱)

خانم حنان عشاوی، دیگر مخالف میانه‌رو است که در حال حاضر عضو شورای قانونگذاری فلسطین و استاد دانشگاه بیرزیت، واقع در کرانهٔ باختری، است. عشاوی فاقد عضویت رسمی در حزب خاص است. او قبل از ترمیم کابینه در اوت ۱۹۹۸، وزیر آموزش عالی حکومت خودگردان بود، اما در جریان ترمیم کابینه استعفا داد و از پذیرش پست پیشنهادی جدید، یعنی وزارت جهانگردی امتناع ورزید. عشاوی علت استعفای خود را بن‌بست روند سازش و فساد مسئولان تشکیلات خودگردان و عدم توجه عرفات به این مسأله در گزینش وزرا اعلام کرد. او معتقد است که نظام مرکزی تشکیلات خودگردان

بسته و دیکتاتور مآبانه است و از اینرو یکی از منتقدان جدی این تشکیلات به شمار می‌رود. ذکر این نکته مهم است که عشروای فاقد سوابق مبارزاتی در تاریخ انقلاب فلسطین است. دو شخصیت فوق‌الذکر، در تمام احتمالات جانشینی، غیر از رویکرد روشهای دموکراتیک، شانس ضعیفی دارند. موفقیت آنها در استراتژی مذکور نیز بستگی به این امر دارد که پیشرفتی در مذاکرات سازش حاصل نشود و دولت خودگردان نتواند از اسرائیل امتیازی بگیرد.

از دیگر نامزدهای مهم مخالفان تندرو می‌توان به احمد جبریل (ابوجهاد)، فرمانده جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی کل و شیخ احمد یاسین، رهبر روحانی جنبش مقاومت اسلامی حماس اشاره کرد، که در پی توقف روند سازش و کندی مراحل پیشرفت در مذاکرات و مخالفت بنیادی آنها با آغاز چنین روندی، محبوبیت عمومی آنها افزایش یافته است. از جمله شخصیت‌های دیگر این طیف می‌توان از جرج حبش، رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین و نایف حواتمه، رهبر جبهه دموکراتیک خلق برای آزادی فلسطین، نام برد.

## جمع بندی و نتیجه گیری

از مجموع آنچه که بیان گردید می‌توان نتایج زیر را استخراج نمود.

۱- مسأله جانشینی عرفات یکی از حادثترین مسائل فلسطین است که در صورت عدم پیش بینی راهکارهای صحیح برای خروج از آن، می‌تواند به بحرانی با عنوان «بحران جانشینی» تبدیل شود. پشت سر گذاشتن موفقیت آمیز مسأله جانشینی، آزمونی بر نهادینگی قدرت و تواناییهای حکومت خودگردان فلسطینی خواهد بود.

۲- با توجه به اینکه هنوز دولت فلسطین شکل نهایی خود را بدست نیاورده و رویه ثابت قانونی نیز برای فرایند انتقال قدرت شکل نگرفته است، عوامل خارجی خصوصاً اسرائیل و

آمریکادر تعیین جانشین عرفات و فرایند انتقال قدرت در میان فلسطینی‌ها می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند.

۳- زمان در مرگ عرفات، عنصری مهم است. اگر عرفات به عنوان رییس جمهور یک کشور مستقل فلسطینی از دنیا برود، کار جانشینی تقریباً قانونی و نهادینه خواهد بود، اما اگر در خلال مذاکرات یا در زمان وجود یک بحران بزرگ در روند سازش از دنیا برود، آن وقت نتیجهٔ احتمالی امر، آشوب و بی‌نظمی خواهد بود.

۴- برخی از ناظران سیاسی معتقدند فرایند انتقال قدرت از عرفات به جانشینش به صورت آرام و دموکراتیک خواهد بود و پس از عرفات توسعه و پیشرفت دموکراسی در میان فلسطینی‌ها افزایش خواهد یافت. این در حالی است که به همین میزان جانشین عرفات می‌تواند خشن و خشونت‌آفرین نیز باشد. زیرا بر خورداری از حمایت و مشروعیت اندک و عدم اتفاق نظر گروه‌های فلسطینی و عوامل خارجی در مورد او، استفاده از زور و خشونت برای تمکین مخالفان را ضروری می‌سازد.

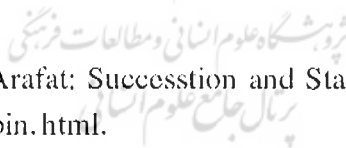
۵- میان دو شاخهٔ سیاسی و نظامی تشکیلات فلسطین، مناقشهٔ حادی وجود ندارد. ممکن است این دو شاخه بر اساس نیاز به همکاری متقابل در برابر اپوزیسیون و نفوذ خارجی با یکدیگر در مورد یک نامزد خاص به توافق برسند. شاید محتمل‌ترین رخداد بلندمدت، همانا ادارهٔ حکومت خودگردان توسط ترکیبی از سیاستمداران فتح و نظامیان باشد. گذشته از هر چیز این سیاستمداران فتح هستند که در آینده، ارتقای درجهٔ افسران وفادار را در دست خواهند داشت. اگر نظامیان قرار است روزی بر کشور آیندهٔ فلسطین حاکم شوند، به احتمال زیاد افسرانی بازنشسته در لباس غیر نظامی - همان الگوی مصری و اسرائیلی - خواهند بود.

۶- ابومازن در حال حاضر در بهترین موقعیت برای جانشینی است و اکثر سیاستمداران ساف و تشکیلات خودگردان، در مورد او اتفاق نظر دارند. به احتمال زیاد فرایند نیل به

قدرت او با آرامش صورت خواهد گرفت. این در حالی است که نظامیان متفقاً در مورد یک نامزد اتفاق نظر ندارند و رجوب، قوی ترین و بانفوذترین آنها، به همین دلیل برای رسیدن به مقام جانشینی عرفات با مشکلاتی مواجه است. دست اندازی هر فرد نظامی به قدرت ممکن است موجب بروز جنگ داخلی شود و گروه‌های اپوزیسیون، از جمله حماس، و دیگر گروه‌های متحد علیه نظامی‌گری را وارد مناقشه کند.

## منابع و مأخذ

- ۱) دانشجویان پیرو خط امام، فلسطین ۲: مجموعه اسناد لانه جاسوسی، جلد ۴۳. انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۶۴.
- ۲) جهاد اسلامی فلسطین دفتر تهران، نداء القدس، شماره بیستم، آذرماه ۱۳۷۶.
- ۳) نورئیل یهودا، «وماذا أن مات»، المجلة تل ابیب، ۶ سپتامبر ۱۹۹۶.
- ۴) «ماذا يحدث اذغاب عرفات؟»، الوطن العربی، شماره ۱۰۷۴، ۱۳ اکتبر ۱۹۹۷.
- ۵) «الرجوب الاوفر حظاً لخلافه عرفات»، الاسبوع العربی، شماره ۱۹۸۹، ۲۴ نوامبر ۱۹۹۷.



- 6) Barry Rubin, After Arafat: Succession and Stability in Palestinian Politics, <http://www.Rubin.html>.
- 7) Khalil Shikaki "Palestinian Public Opinion: The Peace Process and Political violence" MERIA Journal, Vol, 2, 10 March 1998.
- 8) The International who's who, 60th Edition, Europa Publications, 1996.
- 9) The Middle East and North Africa, 43rd Edition, Europa Publications, 1996.
- 10) Ha'aretz December 10, 1998.
- 11) Jerusalem Post, February 2, 1999.